

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نقد و تحلیل تطبیقی سیمای انسان کامل از نگاه عبدالرحمن جامی و بیدل دهلوی

سجاد رضائی آلی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید بهشتی مشهد

Rezaeiaali.sajjad@gmail.com

چکیده

واژه انسان و انسان کامل از جمله مفاهیمی است که همواره مورد مطالعه و تفحص در ادیان، مکاتب و معارف بشری و ادبیات سرزمین ما واقع شده است. در این پژوهش هدف ما مقایسه، نقد و تحلیل سیمای انسان کامل در آثار عبدالرحمن جامی و بیدل دهلوی خواهد بود. بنابراین در این مقاله به دنبال آن هستیم که عقاید عرفانی عبدالرحمن جامی و بیدل دهلوی را با تکیه بر نظرات و آرای ابن عربی، نسفی، جیلی و دیگر اندیشمندان با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی تطبیق و نقد کنیم. در موضوع انسان کامل، می دانیم که بیدل دهلوی، عارفی است شاعر و دایره ادبیات این فرد مبتنی است بر رنگ و بوی عارفانه. او نماینده تمام عیار سبک هندی است که شعر عارفانه را به درستی احیا می کند و بررسی اشعار عارفانه او از هر منظری معرفت افزاست. در مقابل، انسان کامل عبدالرحمن جامی بر اساس خلیفه الهی است و مقصد اصلی و غایی آفرینش. این شاعر معروف قرن نهم، آثارش بیان جهان بینی ابن عربی است و از شارحان و مروجان مرام و مسلک ابن عربی بشمار می رود.

کلید واژه ها: انسان کامل، عبدالرحمن جامی، بیدل دهلوی، عرفان، تصوف.

مقدمه

رستاخیز استمرار شعر عارفانه از سنایی تا بیدل، از هر منظری قابل تأمل و تعمق است. میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی از سخنرانان بزرگی است که از ۱۰۵۴ تا ۱۱۳۳ هجری قمری به مدت ۷۹ سال زیسته است [۱]. بیدل عارفی است شاعر، که رستاخیز اندیشه های گرانسنگ را با نگاه تازه و تخیل ژرف پرورانده است بیان شگرف و اندیشه ژرف شاعر، نخستین منظره ای است که با خواندن آثارش متجلی می گردد [۲]. بیدل در چهار عنصر، خود را ابوالمعانی می نامد و در سفینه رباعیات لسان غیب، چنان سرشار از حالت شهودی است که از طنین پشه الهام می گیرد:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به این گوش که معنی از تمیزش ننگ می دارد

طنین پشه ای گر بشنوم الهام می گیرم [۳]

با کمال تأسف تا همین اواخر بیدل برای فرهیختگان صاحب‌دل ایرانی جزیره ناشناخته بوده است، تا آنجا که به تعبیر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ((اکثریت دارندگان درجه دکترای ادبیات فارسی، ابوالمعانی عبدالقادر بیدل دهلوی را نمی‌شناسند در حالی که حوزه های فرهنگ مشترک، به ویژه افغانستان، چنان به بیدل دل داده اند که برای عوام و خواص درس سحرگاه است)) [۴]. شارحان فصوص و فتوحات چنان بر عمق و اوج انسان کامل افزوده‌اند، که انسان کامل خود تبدیل به یک فرهنگ شده است. اگر ما انسان کامل اسلام را شناسیم قطع به یقین نمی‌توانیم یک مسلمان تمام و کمال باشیم [۵]. همه آثار بیدل و جامی آینه های تودرتو است که در ابدیت تصویر انسان کامل را منعکس می نماید. تماشای حقیقت انسان کامل در آینه شعر نبوت، یعنی شعر بیدل، و جامی دستاورد معنوی چند جانبه را به همراه دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. عرفای مسلمان با طرح عرفان نظری و پرداختن به مباحثی هم چون تجلی خداوند، منشأ آفرینش و جایگاه انسان در نزد بیدل دهلوی و عبدالرحمن جامی، وحدت وجود و انسان کامل، مضامین عمیقی را در عرفان اسلامی پروراندند.

مولانا نورالدین عبدالرحمن بن احمد جامی، شاعر و عارف و دانشمند بزرگ و نابغه دانش و ادب در سال ۸۱۷ هجری قمری در خرجرد جام به دنیا آمد. جد او در محله دشت اصفهان زندگی میکرد لقب اصلی او عماد الدین بود [۶]. عبدالرحمن جامی به طریق نقشبندیان ارادت می ورزید، مشی اصلی نقشبندیه تصریح بر التزام به شریعت و اتباع سنت و دوری از بدعت بود اما خواجه محمداپارسا از مشایخ این طریقت بری و تحلیل تلقی انسان که در اندیشه شیخ محمد بستری و عبدالرحمن جامی سعی در تلفیق اصول طریقت نقشبندیه با آراء ابن عربی داشت و بدین جهت به تقریر آراء ابن عربی پرداخت.

مشی خواجه پارسا اگرچه به مذاق پیروان طریقت نقشبندیه موافق نیامد، اما موجب شد که بعد از مدتی شماری از پیروان این طریقت از شیوه وی متأثر و آن را دنبال کنند جامی در سنین کودکی به نزد خواجه پارسا حاضر شد و او عبدالرحمن را نواخت. لذت این دیدار چنانکه که جامی خود گوید ((چندان در او اثر گذاشت که تا آخر عمر اخلاص و ارادت به خاندان خواجهگان را به برکت نظر خواجه محمد می دانست)). همان جامی می گوید ((امروز از آن شصت سال است. هنوز صفای طلعت منور ایشان در چشم من است و لذت دیدار مبارک ایشان در دل من)) [۷]. جامی از محمد پارسا نقل میکند که ((فصوص جان است و فتوحات دل و نیز گفته است هر که فصوص را نیک می داند وی را داعیه متابعت حضرت رسول قوی می گردد)). اومی کوشید تا تعالیم ذوقی و معاملات عرفانی نقشبندیه را با آراء ابن عربی همراه سازد، او در بسیاری از موارد متأثر از اندیشه محیی الدین ابن عربی است.

بیان مسئله

به باور فرهیختگان جامی و بیدل، دو چکاد تسخیرناپذیر قرن نهم و هندی اند. شعر، شعور و اندیشه در اشعار این دو سخنور بزرگ چنان عمیق و گسترده است که ذهن و زبان را به تأمل و حیرت می افکنند. از آنجایی که انسان کامل محور و غایت معرفت عارفانه است، همه آثار بیدل، نردبانی است که به این محور منتهی می‌شود. انسان در نگرش بیدل، آفرینشگر تصاویری متنوع است. در مثنوی عرفان به خلقت انسان می پردازد، به چگونگی آفرینش خلیفه الله تعالی. چگونگی انسان در نگاه جامی نیز شگفت، زیبا و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سرشار از ابهام است. انسانی که در مفصل ذهن و زبان جامی قد کشیده است، ظاهری سرشار از ملامت و باطنی لبریز از سلامت دارد. متناظر ساختن دو آینه جامی و بیدل، شاه بیت این پژوهش است که از نظر معرفتی و متدولوژی متعلق به حوزه فهم عارفانه دینی است. موضوع این پژوهش، چنانکه از نامش پیداست در مورد انسان کامل است. انسان در نظام هستی، جایگاهی دوگانه دارد. او موجودی دوسویه است که متشکل از روح و جسم است. از جنبه روحی، او نخستین آفریده حق است که حقیقت محمدیه نامیده میشود و تمام موجودات آفرینش، زاده پرتو اویند، از این لحاظ، انسان ارزشمندترین مخلوق خداوند است که اشرف مخلوقات و عالم اکبر نامیده شده است؛ اما همو از جنبه جسمانی، جایگاهی کاملاً مخالف با مورد اول دارد. او از این لحاظ، آخرین حلقه سلسله موجودات است و خلاصه ای از ویژگی‌های تمام موجودات پیش از خود را درون خویش به ودیعه دارد و به همین لحاظ است که او را عالم اصغر نامیده‌اند.

تصوف به بیان ساده واژه معرف و جامع روشی است توأم از فلسفه و مذهب، که به عقیده پیروان آن، تنها راه وصول به حق و حقیقت است. پیروان مکتب تصوف که از اواخر قرن دوم هجری در اسلام و کشورهای اسلامی و به ویژه ایران پدید گشتند و مریدان بسیاری یافتند بخاطر شیوه تفکر، لباس، خوراک، عبادت و ریاضت ویژه خویش به نام صوفی مشهور شدند [۸]. تصوف و عرفان این دو کلمه که غالباً مترادف هم می آیند، از لحاظ معنی و اصطلاح تفاوت هایی دارند، به این معنی که تصوف روش و طریقه زاهدانه ای است بر اساس مبانی شرع و تزکیه نفس و اعراض از دنیا، برای وصول به حق و سیر به طرف کمال؛ اما عرفان یک مکتب فکری و فلسفی متعالی و ژرف برای شناختن حق و شناخت حقایق امور و مشکلات و رموز علوم است، آن هم البته نه به طریق فلاسفه و حکما، بلکه از راه اشراق و کشف و شهود [۹].

پرسش های پژوهش

پرسش های اصلی که در روند تحقیق باید به آن پاسخ داده شود، عبارت است از:

__ جامی و بیدل از چه منظری به انسان کامل پرداخته اند؟

__ تئوری انسان کامل، در زندگی واقعی انسان ها چه تاثیر سازنده و مثبتی دارد؟

فرضیه های پژوهش

__ انسان تمام عیار جامی و بیدل، انسان وارسته ای است که در متون عرفانی به مثابه انسان کامل مطرح شده است، و تمام حرکات و سکنات و فعلات وی در تصرف حق است. پرورشگاه انسان کامل معرفت عارفانه دینی است انسان کامل در آثار جامی و بیدل از چنین منظری قابل تبیین و تعریف است. مهم ترین ابعاد اجتماعی انسان از دیدگاه جامی و بیدل در مفاهیم وارستگی، ریاستیزی، آزادمنشی، مدارا و همزیستی، تحمل اندیشه مخالف، حسن خلق، نفی ستم، تکیه بر رحمت الهی و مسائلی از این دست قابل تبیین است.

__ کمال جویی و سعادت خواهی، یکی از گرایش های فطری در نهاد هر انسانی است و تمام تلاش های بشری هم به منظور ارضای این گرایش و دستیابی به کمال و سعادت است؛ اما نکته مهم در این مورد، بیان مقصود از کمال و خوشبختی است که

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

طبق بینش‌های مختلف فکری و فلسفی، متفاوت است. تعیین مصداق حقیقی کمال و چگونگی دستیابی به آن از امور بحث برانگیز است.

پیشینه های پژوهش

یکی از دغدغه‌های سؤال پرور، در سیر تاریخ، شناخت انسان و نیل به مقام انسان کامل است. رسیدن به مقامی که همه اوصاف برتر را دارا باشد. پیامبران، فلاسفه، متکلمان، شاعران، نظریه‌پردازان، روانشناسان و غیره از کمال انسانی و انسان کامل سخن‌ها گفته اند و از نظر مادی و معنوی، بدین نماد والای آرمانی انسانی نگریسته اند و در هر مکتب و معرفتی با نام و نمودی مطرح شده است.

ابن عربی، که پدر عرفان اسلامی است، تدوین کننده‌ی تئوری انسان کامل است. وی انسان کامل را نگین انگشتر عالم آفرینش میداند [۱۰]. استاد مرتضی مطهری با تعریف انسان کامل نشان داده نقش معرفت عارفانه در فرایند جامعه‌سازی و همچنین رابطه‌ی انسان با خداوند چگونه است. انسان کامل از منظر حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار کبیر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و دیگر عارفان مسلمان اثر دیگری است که به طور کلی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. به باور ایشان انسان کامل مظهر اسم جامع و مرآت تجلی اسم اعظم است. درباره جایگاه کلی انسان در نگاه و نگرش بیدل دهلوی، کتاب گرانقدری به نام مقایسه انسان کامل از دیدگاه بیدل و حافظ از استاد عبدالغفور آرزو مورد مطالعه پژوهشگر قرار گرفته است.

جامی، یکی از بزرگترین شاعران قرن نهم هجری نیز در آثار خود، تئوه شایانی به انسان و جنبه های وجودی او کرده و بر مبنای دیدگاه عارفانی چون ابن عربی، زیربنای فکری خود را در این باره، استوار کرده است؛ همچنین در مورد مفهوم انسان کامل، میتوان به برخی مقالات، چون بررسی تطبیقی سیمای انسان کامل از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا به قلم منیره سید مظهری؛ انسان و انسان کامل از منظر عرفان اسلامی با تکیه بر آرای ابن عربی به قلم مهین عرب؛ انسان کامل از تجلی تا حلول به قلم رقیه شنبه ای .

روش تفصیلی پژوهش

روشی که ارزش‌های این متن را داوری می نماید و می پروراند، روش توصیفی _تحلیلی است. پژوهشگر با توجه به اهداف، فرضیه‌های ارائه شده سعی می‌نماید تا فرآیند آفرینش را آنگونه که جامی و بیدل بدان باور دارند، تحلیل و تبیین نماید. تکیه و استناد بر منابع و آثار کلیدی، اساس و هندسه اصلی این پژوهش است.

بحث و بررسی

جامی در هفت اورنگ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یکی از آثار جامی در هفت اورنگ، مثنوی سلسله الذهب است که در آن از شریعت، طریقت، عشق و نبوت از دیدگاه عرفانی سخن رفته است. ساختار منظومه در سه دفتر تنظیم شده است، دفتر اول اصول عقاید اسلامی و مذهب اشعری را به درخواست فرزند خواجه عیبالله احرار که از مشایخ نقشبندیه است، سروده و مفاهیم خدانشناسی و هستی شناسی دارد. دفتر دوم، ادامه دفتر اول در معارف و اسرار عشق معنوی سخن گفته و دفتر سوم در موضوع کشورداری و رعیت پروری است [۱۱].

جامی و انسان کامل

جامی نیز که از جمله عارفان زمان خویش است، انسان کامل را کسی میداند که به مقام فنای در حضرت حق متّصف شده و مظهر تمام اسما و صفات او گشته باشد؛ چنین شخصی در وجود حق مستغرق است و از ماسوا، بی‌خبر. قرب الی الله، مقصود نهایی این سلوک است:

کامل و تام آن بود الحق	که در اسم حق است مستغرق
ساخت حق ز اسم خویش بهره ورش	نیست از حال ماسوا خبرش
وان که ناقص فتاد، اسم خدا	نکندش بی خبر ز غیر و سوا
نشود محو اسم حق اثرش	باشد از غیر اسم حق خبرش [۱۲]

تعریف کمال

کمال و هم معنای نزدیک آن یعنی تمام در مقابل کلمه ناقص بکار می‌رود. تمام یعنی برای یک شیء تمام مواردی فراهم شده باشد که در اصل وجود آن لازم است که اگر چنین نباشد آن شیء ناقص خواهد بود؛ اما کمال در جایی به کار می‌رود که پس از این که شیئی تمام شد، یعنی تمام زوایای وجودی خویش را دریافت کرد، باز درجه بالاتری از آن هم میتواند داشته باشد؛ به بیان دیگر، تمام را میتوان سیر هر مورد در جهت افقی آن در نظر گرفت و کمال را در جهت عمودی آن [۱۳].

جهان بینی تجلی

از منظر معرفت عارفانه، عالم هستی دایره ای مشتمل بر دو قوس نزول و صعود است. قوس نزول، نیم دایره وجود و هستی و قوس صعود، نیم دایره معرفت تکامل بشری و عروج عارفانه او. تمام آنچه که در این سفر صعودی در معراج خود به سوی حقیقت نیاز دارد، در قوس نزول تعبیه شده است [۱۴]. قوس نزول، قوس ایجاد عالم و آدم و تفصیل و ترتیب حکیمانه موجودات است. غایت ایجاد عالم، آدم است و آدم به لحاظ حقیقت و باطن، اول است و به لحاظ نشئه عنصری و مادی آخر است.

وحدت وجود

شالوده و بنیان جهان بینی عرفانی مبتنی بر جهان بینی تجلی الهی است. وجود مطلق به حسب تعینات خود، در مراتب مختلف موجودات متزلزل می‌شود. تنزلات وجود از صادر اول آغاز می‌گردد و تا آخرین مرتبه موجودات ادامه می‌یابد. گرچه وحدت وجود متعلق به عشق است نه معرفت، سخن عاشقانه است نه فیلسوفانه؛ و فهم آن با تفکر عقلی و منطقی ممکن نیست. با آن هم این

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عربی و اتباع آن، این نشئه پیمانه ناپذیر را در پیمانه استدلال ریخته اند. وحدت وجود تجربه عرفانی و شخصی است، صوفی در سلوک عارفانه خود مجذوب و محو حق می شود و در این جذبه جز خدا را نمی بیند.

ولی و ولایت

همان گونه که فهم حقیقت انسانی کامل با فراست شهودی و سلوک عملی ممکن است، قدم نهادن در قلمروی ولی و ولایت جز با پای دل ممکن نمی باشد؛ زیرا اولیا مرآت نور مطلق اند. همه آنانی که به بحث ولی و ولایت عنایت کرده اند، سه آئینه را متناظر دیده اند: رسالت و نبوت و ولایت. این سه آئینه تودرتو، ترسیم کننده یک منظره قدسی متعلق به فراسو است که به رنگ و می الهام تبارز نموده است. از آنجا که ولی اسم خداوند و نبی و رسول از اسماء الله نیستند، ولایت انقطاع ناپذیر است. اما رسالت و نبوت منقطع می شود. از این رو هیچ جامعه انسانی از وجود انسان کامل خالی نیست. زیرا انسان کامل مظهر اسم ولی است و ولی، نماد کامل انسان کامل است و اولین اقتضای انسان کامل شدن، نیل به مرتبه ولی است.

عشق

عشق آفریننده جهان و جهان تبلوری از عشق است. تقدم و حدوث با حلقه عشق متصل گشته است در فراست بیدل و جامی، عشق عامل و سبب آفرینش است و بدین گونه بیدل رابطه عشق و تجلی را ترسیم می نماید هم جامی و هم بیدل باور دارند که سراسر چمن هستی رنگارنگ از تجلی عشق است [۱۵]. بنابراین در فراست شهودی جامی و بیدل عشق عامل تجلی است. عشق آفریننده عالم و آدم است و عالم و آدم بسط تجلی واحد است و در همه عالم عشق سازی است. سریان عشق، آئینه دار وحدت تجلی و بسط جلوه‌ی واحد در ذره ذره کائنات است. معرفت عارفانه جامی و بیدل با چنین فراستی شیرازه شده.

انسان کامل حقیقت محمدیه

انسان کامل وجه تعبیری حقیقت محمدیه از مهمترین مفاهیم باطنی در عرفان اسلامی و به ویژه در مکتب ابن عربی است. از دیدگاه ابن عربی حقیقت محمدی صورت اعظم و جامع الهی است [۱۶]. در عرفان نظری، حقیقت محمدیه، اصطلاحی است به معنای تعیین اول از ذات الهی که همان اسم اعظم و جامع اسماء حسنا حق است. از این حقیقت، همه عوالم به ظهور رسیده است و به آن حقیقه الحقایق نیز میگویند.

جامعیت انسان کامل

جامی انسان کامل را نسخه مجمل هستی می داند همچون تعیین و تجلی اول. بر این مثال که همه تفاسیر خلقت و بر آمدن جهان هستی که مظاهر قدرت و ذات الهی است به اختصار در انسان جامع وجود دارد. انسان کامل، جامع همه معانی آیات است و او در نهایت است. ابن عربی انسان را خلیفه و کون جامع نیز نام نهاده است، علت این نام گذاری نیز جامعیت انسان است چرا که تمام حقایق عالم وجود در وی نهفته است.

نتیجه گیری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بدین سان انسان موجودی اندیشه ورز و آرمان گراست همیشه در پی رسیدن به آن چیزی که وصف ناپذیر است. آنچه این پژوهش و دیگر نگرش های متمایز را وجه مشترک می بخشد، آرمان خواهی معطوف به انسان برتر و متعالی است. این هویت در جغرافیایی معرفت عارفانه مسماً به انسان کامل است. همانطور که گفته شد، بیدل از عارفان شاعر است و جامی نیز همین طور؛ بنابراین همه آثارشان بر محور انسان و انسان کامل می چرخد و گسترش می یابد و منظر انسان کامل را از دایره ی انسان و انسانیت بیرون می داند. در این پژوهش سعی شده بود که چگونگی آفرینش انسان و حقیقت انسان کامل تا حدودی ارائه گردد. جامی و بیدل با معرفت دینی ژرف و فراست شهودی شگرف، همه هستی را بست یک تجلی می دانند و آفرینش عالم و آدم را در پرتوی اسما الله تبیین می نمایند، و انسان را جهان اکبر می دانند. در حالی که در انسان کامل در نگرش بیدل، برزخی حایل میان وجوب و امکان است. در نهایت می توان گفت بیدل به انسان کامل پرداخته است و جامی به شرح آرای ابن عربی که همین نکته را تأیید می کند. جامی و بیدل می خواهند به مقامی برسند که از آن صوفی کامل و عارف واصل است. در پایان می توان اشاره کرد، جهان بینی تجلی، از خاص و معرفت عارفانه جامی و بیدل است یعنی هر دو نگرش وحدت گرایانه دارند و عالم و آدم مظاهری از یک مظهر هستند. جامی و بیدل در بیشتر نظریات عرفانی خویش در مبحث انسان کامل، تابع نظریات ابن عربی و بسیار از او تأثیر پذیرفته است. آرای جامی و بیدل با آیات قرآن و احادیث مطابق است و در همه نظریات عرفانی او میتوان رد پای قرآن و حدیث را یافت. جامی و بیدل انسان کامل را روح عالم و خلیفه الهی می دانند و او را مردمک چشم عالم، نام می نهند. جامی، طبق نظر عارفان، مخلوق اول را حقیقت محمدیه میدانند که در وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) متجلی شده است؛ گاهی نیز مطابق نظر حکما از این حقیقت با عنوان قلم و عقل کل یاد کرده است. او همچنین حقیقت محمدیه را واسطه بین دو عالم امکان و قدم میدانند که آنها را از یکدیگر جدا ساخته است. بیشتر عارفان مصداق انسان کامل را پیامبر اکرم (ص) معرفی کرده اند. جامی نیز به تبع دیگر عرفا و ابن عربی، حضرت محمد (ص) را انسان کامل میدانند که اولین مظهر خارجی این حقیقت، حضرت آدم (ع) است.

منابع و مراجع

- آرزو، عبدالغفور. (۱۳۷۸). بو طبقای بیدل. مشهد: کرانه. [۲]
- آرزو، عبدالغفور. (۱۳۸۸). مقایسه انسان کامل از دیدگاه بیدل و حافظ. تهران: سوره مهر [۴]
- ابراهیمیان، سیدحسین. (۱۳۸۱). انسانشناسی (اسلام، آگزیستانسیالیسم، اومانیزم). تهران: دفتر نشر معارف. [۱۳]
- ابن عربی، محی الدین. (۱۳۸۲). فتوحیات مکیه. تهران: مولی. [۱۰]
- بیدل، عبدالقادر. (۱۳۴۴). چهار عنصر. تهران: معرفت. [۳]
- جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۶۱). مثنوی هفت اورنگ، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. چاپ سوم. [۱۲]
- جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۸۶). مثنوی هفت اورنگ، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: اهورا مهتاب. [۱۱]
- جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۹۰). نفحات الانس. مقدمه، تصحیح، تعلیقات محمود عابدی، تهران: نشر سخن [۷]
- جیلی، عبدالکریم. (۱۳۶۰). الانسان الكامل فی معرفه الاوائل. تهران: نور. [۱۴]

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۵). ارزش میراث صوفیه، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات امیر کبیر. [۱۶]

سجادی، سید ضیاء الدین. (۱۳۸۴). مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، چاپ یازدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب
علوم انسانی دانشگاهها. [۹]

صادقی ازرگانی، محمدمبین. (۱۳۳۳). بیدل در افغانستان. کابل: آیه. [۱۵]

صبور، داریوش. (۱۳۹۴). عشق و عرفان و تجلی آن در شعر فارسی، تهران: کتابفروشی زوار [۸]

کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۷۵). گزیده رباعیات بیدل دهلوی. مشهد: زمانه. [۱]

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). انسان کامل. تهران: صدرا. [۵]

میرباقری فرد، سید علی اصغر. (۱۳۹۴). تاریخ تصوف (سیر تطور عرفان اسلامی از قرن هفتم تا دهم هجری)، جلد دوم، تهران:
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. [۶]